

# کتاب دانیال - شماره صد و نه

پرده برداری از کاربرد سه گانه نبوت: اهمیت نبوی باب نهم مکاشفه و جنبش اصلاحی نوین

Jeff Pippenger

2024-03-01

نیمه نخست فصل نهم مکاشفه، شیپور پنجم را که وای اول است مشخص می کند، و نیمه دوم فصل، شیپور ششم را که وای دوم است مشخص می کند. هر دو شیپور به صورت تصویری در نمودارهای پیشگامان ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ نشان داده شده اند. هنگامی که شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال در زمان پایان در سال ۱۹۸۹، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مهر آن گشوده شد، جنبش اصلاحی یکصد و چهل و چهار هزار آغاز شد.

از جمله حقایقی که در سال ۱۹۸۹ مورد شناسایی قرار گرفت، حقیقت مربوط به جنبش های بزرگ اصلاحی تاریخ کتاب مقدس بود و این که همه آنها با یکدیگر موازی اند. همه پیامبران، و بنابراین هر تاریخ مقدس، از جمله جنبش های اصلاحی مقدس، جنبش بزرگ اصلاحی نهایی صد و چهل و چهار هزار نفر را که همان جنبش قدرتمند فرشته سوم نیز هست، نشان می دهند. وقتی فرایند مهرزنی آغاز می شود، چکیدن باران پسین نیز آغاز می گردد. گشوده شدن مهر جنبش های اصلاحی در سال ۱۹۸۹، و به دنبال آن گشوده شدن مهر شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال در سال ۱۹۹۲، فضایی از مقاومت پدید آورد؛ همان گونه که همواره رخ می دهد هرگاه حقیقتی نو و حاضر مهرش گشوده می گردد.

در جریان مخالفت با حقیقت شش آیه آخر دانیال باب یازدهم، خداوند حقیقتی را آشکار کرد مبنی بر اینکه تاریخ نبوی روم بت پرست، در پیوند با تاریخ نبوی روم پاپی، که بر پایه دو شاهد استوار شده است، تاریخ نبوی روم معاصر را مشخص می کند. قاعده تطبیق سه گانه نبوت به رسمیت شناخته شد و از آن پس برای دفاع در برابر خطا و برای تشخیص و استقرار حقیقت به کار گرفته شد. قوانینی که بیان می دارند هر خط اصلاح با دیگر خطوط اصلاح موازی است، و قوانینی که با تطبیق سه گانه نبوت مرتبط اند، به سنگ بنای قواعدی تبدیل شدند که در جنبش فرشته سوم برقرار شد، چنان که قوانین برقرار شده، به کار گرفته شده و منتشر شده در تاریخ میلری نمونه وار نشان داده بودند.

کاربرد سه گانه نبوت، به عنوان یک قاعده، برای جنبش یکصد و چهل و چهار هزار مکشوف شد، زیرا آنان جنبش باران پسین اند و اسلام وای سوم، پیام باران پسین است. اصل کاربرد سه گانه نبوت را شیر قبيله يهودا، مدت ها پیش از آنکه اسلام وای سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پا به عرصه تاریخ بگذارد، شناسایی کرده بود، زیرا او می خواست قوم روزهای آخر خود به آسانی پیامی را که با فرارسیدن وای سوم آشکار می شود بشناسند، هنگامی که قوم خود را به راه های کهن ارمیا بازگرداند.

برداشت پیشگامان از شیپورهای پنجم و ششم، چنان که در فصل نهم مکاشفه بیان شده است، به عنوان آن بخش از کتاب مکاشفه فهم می شد که بیش از هر بخش دیگری به طور محکم و روشن از سوی تاریخ پشتیبانی می شد. اورپاه اسمیت ارائه خود از فصل نهم مکاشفه را با به کارگیری سخنان مورخ کیت برای اثبات همان نکته آغاز می کند.

برای شرح این شیپور، بار دیگر از نوشته های آقای کیت بهره خواهیم گرفت. این نویسنده به درستی می گوید: «به ندرت می توان درباره بخش دیگری از مکاشفه چنین اتفاق نظر یکنواختی میان مفسران یافت که درباره تطبیق شیپور پنجم و ششم، یا وای نخست و دوم، بر سارا سن ها و

ترک‌ها وجود دارد. آن‌چنان آشکار است که به‌سختی ممکن است بد فهمیده شود. به‌جای یک یا دو آیه که هر یک را مشخص کند، سراسر فصل نهم مکاشفه، در بخش‌های برابر، به توصیف هر دو اختصاص یافته است.» اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، ۴۹۵.

تقسیم‌بندی فصل‌های مربوط به وای نخست و وای دوم، تاریخ وای نخست را که محمد نماینده آن است، تفکیک می‌کند. از نظر جغرافیایی، این تاریخ به آنچه مورخ الکساندر کیت «ساراسن‌ها» می‌نامد نسبت داده می‌شود؛ چیزی که امروز آن را عربستان می‌نامیم. تاریخ وای دوم، که نماینده آن عثمان یکم است، از نظر جغرافیایی در ترکیه قرار می‌گیرد؛ همان‌گونه که آن مورخ آن را «ترک‌ها» شناسایی می‌کند. تاریخ وای نخست در عربستان، زادگاه اسلام و محمد، واقع بود و تحقق یافت. تاریخ وای دوم در ترکیه، زادگاه امپراتوری عثمانی، واقع بود و تحقق یافت.

تاریخ وای اول، جنگی را نشان می‌دهد که از سوی جنگجویان مستقلی که تنها وجه اشتراکشان دین اسلام بود، علیه روم انجام شد. تاریخ وای دوم، جنگی را نشان می‌دهد که از سوی یک دین سازمان‌یافته و قدرت حکومتی - که خلافت نامیده می‌شود - علیه روم هدایت شد. در هر دو حالت، چه جنگ مستقل علیه روم که در تاریخ با محمد شناخته می‌شود، و چه جنگ سازمان‌یافته‌ای که با عثمان یا امپراتوری عثمانی شناخته می‌شود، شیوه جنگیدن، حمله ناگهانی و غیرمنتظره بود. این جنگ بدین‌گونه نبود که همه سربازان را در لباس‌های هم‌رنگ و متحدالشکل بپوشانند، سپس آنان را در صفی منظم آرایش دهند و مطابق رسم نظامی آن زمان به سوی آتش تفنگ پیش برانند. واژه «assassin» بر اساس شیوه اسلامی جنگ - یعنی ضربه زدن ناگهانی و غیرمنتظره - شکل گرفته است که معمولاً به مرگ خود مهاجم نیز می‌انجامید.

واژه «assassin» از واژه عربی «حشاشین» گرفته شده است که خود از «حشیش» می‌آید، به معنای «حشیش» یا «کانابیس». این اصطلاح در اصل برای اشاره به گروهی مخفی‌کار و متعصب از مسلمانان اسماعیلی نزاری در خاورمیانه طی دوره قرون وسطی به کار می‌رفت. اعضای این گروه به روش‌های نامتعارف و اغلب خشونت‌آمیزشان شناخته می‌شدند، از جمله استفاده از ترورهای سیاسی برای دستیابی به اهدافشان. گفته می‌شود آنان گاهی برای آمادگی انجام مأموریت‌هایشان حشیش مصرف می‌کردند و همین باعث شد اصطلاح «حشاشین» یا «assassins» در جهان غرب رواج یابد. حشاشین در دوره قرون وسطی فعال بودند و عمدتاً در ایران و سوریه حضور داشتند و در منازعات سیاسی گوناگون و ترورها در آن زمان نقش مهمی ایفا کردند. واژه «assassin» سرانجام وارد زبان‌های اروپایی شد و در آنجا به‌طور کلی‌تر به افرادی اطلاق شد که دست به قتل‌های سیاسی یا هدفمند می‌زنند.

این شیوه جنگ‌ورزی، ویژگی پیش‌گویانه مهم سه وای است، زیرا نقش پیش‌گویانه اسلام ایجاد جنگ است. اسلام به‌عنوان یک نماد، تماماً معطوف به جنگ‌ورزی است و در باب نهم کتاب مکاشفه، اسلام وای نخست و دوم، نمودی از جنگ‌ورزی آنان است. جنگ‌ورزی آنان در کتاب مکاشفه به‌عنوان عملی که درست پیش از بسته شدن مهلت، ملت‌ها را به خشم می‌آورد، مشخص شده است.

و ملت‌ها خشمگین شدند، و خشم تو فرارسیده است، و زمان مردگان نیز فرارسیده است تا داوری شوند، و تا تو پاداش دهی به بندگان خویش، یعنی پیامبران، و به قدیسان، و به آنان که از نام تو می‌ترسند، کوچک و بزرگ؛ و نابود کنی کسانی را که زمین را نابود می‌کنند. مکاشفه ۱۱:۸.

«امت‌ها» «به خشم» آورده می‌شوند، درست پیش از آن‌که غضب خدا فرا رسد؛ و غضب خدا، چنان‌که در کتاب مکاشفه نشان داده شده، همان هفت بلای آخرینی است که با پایان یافتن مهلت بشر نازل می‌شوند. در این آیه سه نشانه راه وجود دارد: به خشم آوردن امت‌ها، غضب خدا، و زمان داوری مردگان. داوری مردگانی که در اینجا به آن اشاره شده، داوری مردگان شریر است که در دوران هزاره

رخ می‌دهد، نه داوری تحقیقی مردگان که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد. خواهر وایت به روشنی بیان می‌کند که سه نشانه راه در این آیه متمایزند و به همان ترتیبی که در آیه آمده‌اند رخ می‌دهند.

دیدم که خشم ملت‌ها، غضب خدا، و زمان داوری مردگان جدا و متمایز از هم بودند و یکی پس از دیگری رخ می‌دادند؛ همچنین اینکه میکائیل هنوز برنخاسته بود و زمان تنگی، چنان که هرگز نبوده است، هنوز آغاز نشده بود. اکنون ملت‌ها در حال خشمگین شدن‌اند، اما هنگامی که کاهن اعظم ما کار خود را در مقدس‌گاه به پایان برساند، برخواهد خاست، جامه‌های انتقام را خواهد پوشید، و آنگاه هفت بلای آخر ریخته خواهند شد.

«دیدم که چهار فرشته چهار باد را باز خواهند داشت تا کار عیسی در مقدس‌گاه به انجام برسد، و آنگاه هفت بلای آخر فرا خواهند رسید.» نوشته‌های نخستین، ص ۳۶.

نقش اسلام در آخرین کتاب کتاب مقدس این است که ملت‌ها را به خشم آورد و این کار از طریق جنگ انجام می‌شود. نقش اسلام در نخستین کتاب کتاب مقدس این است که همه انسان‌های جهان را علیه اسلام، که در قالب اسماعیل نمایانده شده است، گرد هم آورد.

و فرشته خداوند به او گفت: اینک آبستن هستی و پسری خواهی زایید و نام او را اسماعیل خواهی نهاد؛ زیرا خداوند رنج تو را شنیده است. و او مردی وحشی خواهد بود؛ دستش بر ضد همه خواهد بود و دست همه بر ضد او؛ و در برابر همه برادران خود ساکن خواهد شد. پیدایش ۱۶:۱۱، ۱۲.

واژه «دست» به عنوان نماد، مانند همه نمادهای کتاب مقدسی است و بسته به سیاقی که در آن به کار می‌رود می‌تواند بیش از یک معنا داشته باشد. با این حال، «دست» در نمادپردازی نبوت‌های کتاب مقدس، در اغلب موارد نماد جنگ است. واژه عبری که به «مرد وحشی» ترجمه شده، در اصل واژه «الغ وحشی عربی» است که چند دلالت نبوی مهم دارد؛ از جمله این‌که ال‌غ وحشی عربی، همانند اسب، عضوی از خانواده اسبیان (Equidae) است. در باب نهم مکاشفه و نیز بر هر دو نمودار مقدس حبقوق (نمودارهای پیشگام ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰)، اسب به عنوان نماد جنگی که در سه «وای» به وسیله اسلام نمایانده شده، به کار رفته است. نخستین و آخرین اشاره به اسلام، چنان‌که در کتاب پیدایش و کتاب مکاشفه آمده است، اسلام را با نماد خانواده اسبیان (ال‌غ یا اسب) یکی می‌دانند و هر دو تأکید می‌کنند که نقش اسلام آوردن جنگ به «هر انسان» (ملت‌ها) است.

در کتاب مکاشفه، فصل نهم، آیه یازدهم، سرشت اسلام مشخص می‌شود، زیرا در زبان نبوت سرشت با یک نام نشان داده می‌شود. نامی که به پادشاه حاکم بر اسلام داده شده، بازتاب‌دهنده همان اشاره نخستین به اسلام در کتاب پیدایش است؛ جایی که نوشته شده است که سرشت یا روح اسماعیل حضور همه برادران خود ساکن خواهد شد. پادشاهی که بر تمام اسلام حکم می‌راند، روح اسماعیل است (پادشاه آنان) که دستش «بر ضد هر انسان» است.

و پادشاهی بر ایشان بود که فرشته هاویه است؛ نام او به عبری ابدون و به یونانی آپولیون است. مکاشفه ۹:۱۱.

خواه در عهد عتیق عبری، خواه در عهد جدید یونانی، شخصیت حاکم بر پیروان دین اسلام به صورت Abaddon یا Apollyon شناخته می‌شود که هر دو به معنای «مرگ و نابودی» هستند. مرگ و نابودی سرشت اسلام است، چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید. ویژگی‌های مشخص روحی که درون هر پیرو اسلام حکومت می‌کند، در ارتباط با نماد ال‌غ یا اسب، هر دو از عناصر اشاره‌های نخستین و واپسین به اسلام‌اند. این دو صفت نبوی امضای آلفا و امگا را دارند. وقتی خواهر وایت پیامی را که یکصد و چهل و چهار هزار را به زندگی باز می‌آورد به عنوان سپاه نیرومند فرشته سوم معرفی می‌کند،

چنین می‌گوید:

فرشتگان چهار باد را مهار کرده‌اند؛ این چهار باد به صورت اسبی خشمگین به تصویر کشیده شده که در صدد است از بند رها شود و بر سراسر چهره زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را به همراه می‌آورد.

«آیا ما بر درست در آستانه جهان جاودانی بخوابیم؟ آیا کند و سرد و مرده باشیم؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده می‌شد تا بر پای‌های خود بایستند و زنده گردند. ما نیاز داریم ببینیم که راه تنگ است و دروازه باریک. اما چون از دروازه تنگ درمی‌گذریم، فراخی آن بی‌حد و حصر است.» Manuscript Releases، جلد 20، ص. 217.

چهار باد در دوران مهر و موم شدن صد و چهل و چهار هزار نفر نگاه داشته می‌شوند، و چهار باد به منزله «اسب خشمگینی» است که «در مسیر خود مرگ و ویرانی» را به همراه دارد. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وای سوم وارد تاریخ نبوت شد و «مرگ و ویرانی» به همراه آورد و بدین سان «ملت‌ها را به خشم آورد»، آنگاه که سرزمین جلال روحانی را «ناگهان و غیرمنتظره» هدف قرار داد. در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، وای سوم مسیر «مرگ و ویرانی» خود را ادامه داد و با حمله «ناگهانی و غیرمنتظره» به سرزمین جلال حقیقی، بیش از پیش «ملت‌ها را به خشم آورد». نخستین حمله غیرمنتظره آغاز دوره مهر و موم شدن صد و چهل و چهار هزار نفر را رقم زد، و حمله اخیر ۷ اکتبر ۲۰۲۳، نشان‌دهنده آغاز دوره پایانی یا «بسته شدن» مهر و موم صد و چهل و چهار هزار نفر است. آیا باید درست در آستانه جهان ابدی به خواب برویم؟

در هر دو نمودار مقدس پیشگامان، اسلام مرتبط با وای اول و دوم با جنگجویان اسلامی سوار بر اسب‌های جنگی به تصویر کشیده شده است. سوار اسب جنگی وای اول در هر دو تصویر، نیزه‌ای در دست دارد و سوار اسبی که نمایانگر وای دوم است، در حال شلیک با تفنگ است. این تمایز در فصل نهم مکاشفه آشکارا مشخص شده است، زیرا در تاریخ وای دوم بود که باروت اختراع شد و نخستین بار در جنگ به کار رفت. اورپاه اسمیت در تفسیر آیات هفده تا نوزده فصل نهم مکاشفه چنین می‌نویسد:

بخش نخست این توصیف ممکن است ناظر به ظاهر این سواران باشد. آتش، در مقام اشاره به یک رنگ، نماد قرمز است؛ «به سرخی آتش» تعبیر رایجی است؛ جسینت، یا هیاسینت، برای آبی؛ و گوگرد، برای زرد. و این رنگ‌ها در پوشاک این جنگاوران به طرز چشمگیری غالب بود؛ به طوری که این توصیف، بر پایه این دیدگاه، به دقت بر یونیفورم ترک‌ها منطبق می‌شد که تا حد زیادی از قرمز، یا سرخ لاک، آبی و زرد تشکیل شده بود. سرهای اسبان از نظر ظاهر همچون سرهای شیران بود تا قدرت، دلاوری و درندگی‌شان را بنمایاند؛ و در حالی که بخش پایانی آیه بی‌تردید اشاره به استفاده از باروت و سلاح‌های گرم برای مقاصد جنگی دارد، که در آن زمان تازه معرفی شده بودند. از آنجا که ترک‌ها سلاح‌های گرم خود را بر پشت اسب شلیک می‌کردند، برای بیننده دور چنان می‌نمود که آتش، دود و گوگرد از دهان اسبان بیرون می‌آید، چنان که در تصویر همراه نشان داده شده است.

در خصوص به‌کارگیری سلاح‌های آتشین از سوی ترک‌ها در لشکرکشی‌شان علیه قسطنطنیه، الیوت (Apocalyptic) (Apocalypticae جلد اول، صص. ۴۸۲-۴۸۴) چنین می‌گوید: «این به آتش و دود و گوگرد»، به توپخانه و سلاح‌های آتشین محمد بود که کشته‌شدن یک‌سوم مردم، یعنی فتح قسطنطنیه، و در پی آن نابودی امپراتوری یونانی، مدیون آن بود. اکنون از زمان بنیان‌گذاری اش به دست کنستانتین، هزار و صد سال و بیشتر گذشته بود. در این مدت، گوت‌ها، هون‌ها، آوارها، ایرانیان، بلغارها، ساراسن‌ها، روس‌ها و بلکه خود ترک‌های عثمانی نیز حملات خصمانه کرده یا آن را محاصره کرده بودند. اما استحکامات برای آنان تسخیرناپذیر بود. قسطنطنیه دوام آورد، و با آن امپراتوری یونانی نیز. از همین‌رو سلطان محمد در پی یافتن چیزی بود که این مانع را برطرف کند.

"آیا می‌توانی توپی بریزی"، پرسش او از ریخته‌گر توپی که به او گریخته و پیوسته بود، "به اندازه‌ای که برای درهم‌کوبیدن دیوار قسطنطنیه کافی باشد؟" سپس ریخته‌گری در آدریانوپل دایر شد، توپ ریخته شد، توپخانه آماده گردید و محاصره آغاز شد.

به‌راستی شایان ذکر است که چگونه گیبون، که همواره مفسر ناخودآگاه نبوت مکاشفه‌ای است، در روایت بلیغ و تکان‌دهنده‌اش از فاجعه نهایی امپراتوری یونانی، این ابزار تازه جنگ را در کانون تصویر خود می‌نهد. در مقدمه آن، تاریخ اختراع تازه باروت، «آن آمیزه شوره‌سنگ، گوگرد و زغال‌چوب» را باز می‌گوید؛ از کاربرد پیشین آن به دست سلطان اموراث سخن می‌گوید، و نیز، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، از ریخته‌خانه ماهومیت برای ساخت توپ‌های بزرگ‌تر در آدریانوپل؛ سپس، در جریان خود محاصره، شرح می‌دهد که «رگبار نیزه‌ها و تیرها با دود، صدا و آتش تفنگ‌ها و توپ‌ها همراه بود»؛ که «آرایش دراز توپخانه ترک به سوی دیوارها نشانه رفته بود و چهارده آتشبار هم‌زمان بر در دسترس‌ترین نقاط می‌غریدند»؛ که «استحکامات، که قرن‌ها در برابر خشونت دشمن پاییده بود، از هر سو به دست توپ‌های عثمانی از هم گسسته شد، شکاف‌های بسیار گشوده شد، و نزدیک دروازه قدیس رومانوس، چهار برج با خاک یکسان گردید»؛ که، آنگاه که «از خطوط، از کشتی‌های پارویی، و از پل، توپخانه عثمانی از هر سو می‌غرید، اردو و شهر، یونانیان و ترکان، در ابری از دود فرو رفته بودند که تنها با رهایی نهایی یا نابودی امپراتوری روم زدوده می‌شد»؛ که «دیوارهای دوتا به دست توپ‌ها به تلی از ویرانه بدل شد»؛ و اینکه ترک‌ها سرانجام «از خلال شکاف‌ها برآمدند»، «قسطنطنیه مغلوب شد، امپراتوری‌اش برانداخته گردید، و دینش به دست فاتحان مسلمان به خاک مالیده شد.» می‌گوییم به‌راستی شایان تأمل است که گیبون با چه وضوح و تأکیدی تسخیر شهر، و بدین‌سان نابودی امپراتوری را، به توپخانه عثمانی نسبت می‌دهد. زیرا این جز شرحی بر سخنان نبوت ما چیست؟ «به‌وسیله این سه، ثلث آدمیان کشته شدند: به آتش، و به دود، و به گوگردی که از دهان‌هایشان بیرون می‌آمد.»

آیه ۱۸. به‌وسیله این سه، یک‌سوم آدمیان کشته شدند، به‌وسیله آتش و دود و گوگردی که از دهان‌هایشان بیرون می‌آمد. ۱۹. زیرا قدرتشان در دهانشان و در دم‌هایشان است؛ زیرا دم‌هایشان مانند مارها بودند و بر دم‌هایشان سرهایی بود، و با آنها آسیب می‌رسانند.

این آیات اثر مرگبار شیوه تازه‌ای از جنگ را که معرفی شده بود، بیان می‌کنند. به‌وسیله همین عوامل — باروت، سلاح‌های آتشین و توپ — بود که قسطنطنیه سرانجام مغلوب شد و به دست ترک‌ها افتاد. اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، ۵۱۰-۵۱۴.

مطالعه مصیبت سوم را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

شب گذشته از خواب برخاستم و باری سنگین بر ذهنم بود. در حال ابلاغ پیامی به برادران و خواهرانمان بودم؛ پیامی هشدارآمیز و تعلیمی درباره کار برخی که نظریه‌های نادرستی در باب دریافت روح‌القدس و چگونگی عمل آن از طریق مجاری انسانی را ترویج می‌کردند.

به من گفته شد که افراط‌گرایی‌ای مشابه آنچه پس از گذشت زمان در سال ۱۸۴۴ فراخوانده شده بودیم تا با آن مقابله کنیم، در روزهای پایانی پیام بار دیگر در میان ما پدید خواهد شد، و اینکه باید اکنون به همان اندازه قاطعانه با این شر مقابله کنیم که در نخستین تجربه‌های خود با آن مقابله کردیم.

ما بر آستانه رویدادهای بزرگ و خطیر ایستاده‌ایم. پیشگویی‌ها در حال تحقق‌اند. تاریخی شگرف و پرحادثه در کتاب‌های آسمان ثبت می‌شود — رویدادهایی که اعلام شده بود به‌زودی پیش از روز عظیم خدا رخ خواهند داد. همه‌چیز در جهان در وضعیتی آشفته و ناپایدار است. ملت‌ها خشمگین‌اند و تدارکات عظیمی برای جنگ در حال فراهم‌شدن است. هر ملتی علیه ملتی دیگر توطئه می‌کند و هر پادشاهی علیه پادشاهی دیگر. روز عظیم خدا به‌سرعت نزدیک می‌شود. اما

با اینکه ملت‌ها نیروهای خود را برای جنگ و خونریزی گرد می‌آورند، فرمان به فرشتگان همچنان به قوت خود باقی است که چهار باد را نگاه دارند تا بندگان خدا بر پیشانی‌هایشان مهر شوند. پیام‌های برگزیده، کتاب ۱، ۲۲۱.